

## اصول و روش های تربیتی از دیدگاه امام خمینی (ره)

اژدر شمشخانی<sup>۱</sup>  
یاور نور علیان<sup>۲</sup>  
مظاهر عاشوری<sup>۳</sup>  
سعید مالمیر<sup>۴</sup>

### چکیده

هدف از انجام این پژوهش بررسی اصول و روش های تربیتی از دیدگاه امام خمینی (ره) بوده و درصدد پاسخ گویی به این سؤالات است: قواعد تربیت از دیدگاه امام خمینی (ره) چیست؟ روش های تربیتی از دیدگاه ایشان کدام است؟ روش پژوهش توصیفی- تحلیلی بوده است. در مقاله حاضر با بررسی آراء امام خمینی (ره) تلاش شده است تا اصول و روش های تربیتی از منظر ایشان استخراج گردد. یافته های پژوهش نشان می دهد که امام خمینی (ره) تعلیم و تربیت را از کارکردهای مهم نظام آموزشی جامعه اسلامی می داند که مبتنی بر اصول و قواعدی چون: تعقل؛ تکیه بر اصلاح خود؛ تقدم تزکیه بر تعلیم؛ تکرار و تلقین؛ تداوم تربیت؛ جهت دار بودن تربیت؛ دوری از تکبر؛ نیت و انگیزه الهی؛ اختیار و آزادی؛ تکلیف و مسئولیت؛ استمرار؛ و وجوب می باشد. همچنین برای دستیابی به تربیت انسان کامل از دیدگاه امام راحل تربیت باید مبتنی بر روشهایی چون: ۱- روش محبت و امید؛ ۲- روش تشویق و تنبیه؛ ۳- روش الگو برداری؛ ۴- روش تکرار و تلقین؛ ۵- روش توبه؛ ۶- روش دعا باشد.

**کلید واژه ها:** تربیت، اصول تربیت، روش های تربیت؛ امام خمینی (ره).

۱) کارشناسی ارشد علوم تربیتی دانشگاه آزاد اسلامی واحد همدان.

۲) کارشناس ارشد جامعه شناسی، دانشگاه بوعلی سینا همدان.

۳) کارشناس ارشد علوم سیاسی.

۴) کارشناس ارشد و مدرس دانشگاه

## مقدمه و بیان مسئله

عالم و آدم در مسیری که پروردگار هستی معین فرموده، مسیر شدن و تربیت یافتن را طی می کنند. در این چشم انداز، انسان موجودی تربیت پذیر و انبیاء الهی بزرگترین مربیان بشریت بوده اند. علمای ربانی که برترین پیروان فرستادگان خداوند برای تعلیم و تربیت انسان هستند، رسالت بزرگ هدایت و تربیت هم‌نوعان را وظیفه خود تلقی کرده و در طول تاریخ برای آن کوشیده اند. امام خمینی (ره) که عالمی عامل و مربی بزرگ اخلاق بوده، در گام نخست به تهذیب جان خود پرداخته، آنگاه به تربیت شاگردان و یاران و تربیت و اصلاح جامعه قیام کرده و به حق در عرصه تربیت، نمونه ای کم نظیر بوده اند.

همان طور که می دانیم تعلیم و تربیت یکی از ارکان مهم در دعوت توحیدی انبیاء محسوب می شود که بدون آن انسان، راه به جایی نخواهد برد و در مسیر هدفمند زندگی که همانا سعادت و رستگاری و بهشت رضوان الهی است، توفیقی نخواهد یافت. امام خمینی (ره) در خصوص اهمیت حیاتی این اصل می فرماید: "غایت و فلسفه بعثت انبیاء انسان سازی است و اساس عالم بر تربیت انسان قرار گرفته است" (خمینی، ۱۳۸۵: ۶۷/۱۰). ایشان در جای دیگر در خصوص هدف از رسالت انبیاء می فرمایند: "تمام انبیاء موضوع بحثشان، موضوع تربیتشان؛ موضوع علمشان انسان بوده است. آمده اند انسان را تربیت کنند آمده اند این موجود طبیعی را از مرتبه طبیعت به مرتبه عالی مافوق الطبیعه، مافوق الجبروت برسانند. تمام بحث انبیاء در انسان است" (خمینی، ۱۳۸۵: ۶۵/۸ نقل از اکبری، ۱۳۹۱: ۷۵) از دیدگاه امام خمینی (ره) انسان اختصاصاتی دارد که سایر موجودات ندارند، یک مرتبه باطنی، یک مرتبه عقلیت، یک مرتبه بالاتر از مرتبه عقل، در انسان بالقوه هست. از اول در سرشت انسان از عالم طبیعت سیر بکند تا برسد به آنجایی که وهم ماها نمی تواند برسد و همه اینها محتاج به تربیت است (همان: ۱۷۱/۴) بنابراین همان گونه که جسم آدمی نیاز به غذا و لباس و مسکن دارد، جان او نیز به "تعلیم و تربیت" نیازمند است. انسانی که به روشهای پسندیده پرورش نیافته و به مکارم اخلاق آراسته نگردیده و از رذائل و خصلتهای زشت تزکیه نشده است اگر چه به ظاهر

آدم است، ولی از کاروان آدمیت فرسنگها فاصله دارد(قربانی، ۱۳۷۱: ۱۱). از این رو با خصیصه تربیت پذیری نهاد انسان می توان در این امر موفق شد. امام خمینی می فرماید: "نفس در بدو فطرت، خالی از هر نحو کمال و جمال و نورو بهجت است چنان که خالی از مقابلات آنها نیز هست. گویی صفحه ای است خالی از مطلق نقوش، نه دارای کمالات روحانی و منصف به اضداد آن است. ولی نور استعداد و لیاقت برای حصول هر مقامی در او به ودیعه گذاشته شده است(قربانی، ۱۳۷۱: ۲۷۲). تربیت از منظر امام خمینی(ره) از اهمیت فوق العاده برخوردار است، به طوری که می فرماید: "آن قدر که انسان غیر تربیت شده مضر است به جوامع هیچ شیطانی و هیچ حیوانی و هیچ موجودی آن قدر مضر نیست و آن قدر که انسان تربیت شده مفید است برای جوامع هیچ ملائکه ای و هیچ موجودی آن قدر مفید نیست. اساس عالم بر تربیت انسان است، انسان عصار همه موجودات است و فشرده تمام عوالم است انبیاء آمده اند برای اینکه این عصاره بالقوه را بالفعل کنند" (همان: ۱۰۳/۴). در حقیقت تربیت انسان از دیدگاه ایشان آنقدر مهم است که ضرر هیچ موجودی را به جوامع، بالاتر از انسان تربیت نشده نمی دانند و از آن طرف سود انسان تربیت یافته را بالاتر از فرشتگان و همه موجودات می دانند. ایشان تربیت درست انسانها را عامل نجات جوامع می دانند و می فرمایند: "اگر انسان متعهد درست کردید، انسان امین، انسان معتقد به یک عالم دیگر، انسان معتقد به خدا، مومن به خدا، اگر این انسان در دانشگاههای شما و ما تربیت شد مملکتان را نجات می دهد(خمینی، ۱۳۶۱: ۶۴/۷) و یا می فرماید: «گرفتاری همه ما برای این است که ما تزکیه نشده ایم، تربیت نشده ایم، تفکراتشان عمیق است، لکن تربیت نشده اند و آن خطری که از عالمی که تربیت نشده است و تزکیه نشده است بر بشر وارد می شود، آن خطر از خطر مغول بالاتر است» (فراهانی، ۱۳۸۷: ۶). همانطور که می دانیم تربیت به معنای فعالیتی تعاملی و دو جانبه است که بین مربی و متربی در جریان است و تا زمانی که متربی به هدف نهایی تربیت یعنی رشد و کمال دست یابد استمرار دارد. روشن است که مربی برای ایجاد حالتی پس از حالت دیگر نیازمند به اصول و ضوابطی

است که موفقیت این فرایند تعاملی را تضمین کند. با توجه به معنای اصل یعنی ریشه و اساس می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که اصل تربیتی، ریشه و بنیانی است که در جریان تربیت اجتناب‌ناپذیر است و به‌عنوان دستورالعملی کلی تمامی جریان تربیت را تحت سیطره و نفوذ خویش دارد و در صورتی که از آن تخطی شود دستیابی به هدف دچار مخاطره جدی می‌شود. پس می‌توان گفت در جایگاه تعلیم و تربیت اصول نقش اساسی دارد به قدری که هم در خود قرآن، هم در کلام امیرالمومنین و ائمه به این اصول اشاره شده است. بنابراین جایگاه اساسی تعلیم و تربیت، مربوط به آن اصول هست، مخصوصاً در ارتباط با اصولی که در اسلام وجود دارد به عنوان مثال وقتی اسلام، محور تربیت و تعلیم را بر مبنای انسان‌شناسی، آن هم به عنوان موجودی که باید تربیت شود، برای یک جامعه پیش از خلقت و دوران جنینی، دوران کودکی، دوران شیرخواری و دوران و مراحل بعدی حساب می‌کند، پیداست که دیدگاه این اصول چقدر وسیع می‌باشد. در نهج البلاغه که بعد از قرآن دومین دایره المعارف وسیع شیعه و اسلام است. نامه ۵۳ مالک اشتر، نکته‌های بسیار زیبا و گویایی دارد و هم نامه ۳۱ امام علی (ع) به فرزندش امام حسن، حدود ۱۸ محور اساسی تربیت فردی و اجتماعی، اخلاقی، سیاسی، نظامی و محورهای دیگر در این وصیتنامه به کار گرفته شده است و با زبان تربیت به فرزند خویش، امام حسن (ع) امر فرموده است. که در واقع اصول تربیتی صحیح برای تمام انسانها به کار می‌رود (حسنی، ۱۳۸۰: ۲۵). لذا در اهمیت و ضرورت اصول تربیتی باید گفت: تربیت به عنوان فرایندی که نتیجه‌ی آن صرفاً در مقام عمل روشن می‌شود، دارای وجهه‌ای کاملاً عملی و کاربردی است. از این جهت، هرگونه تلاش نظری در چارچوب مفهومی باید ناظر به فواید عملی باشد. در این میان نقش مبدل‌های نظری به عملی و انتقال‌دهنده‌ها روشن می‌شود. تبلور مفهوم مبدل در ماهیت اصل تربیتی، به عنوان آخرین مرحله‌ی نظر و سرآغاز اولین مرحله عمل تربیتی، مهم‌ترین نقشی است که ضرورت وجود اصول را در نظام تربیتی تبیین می‌کند (شکوهی، ۱۳۶۸: ۱۴۲). اگر معلم از اصول

تعلیم و تربیت شناخت دقیق و علمی داشته باشد قویتر و دقیق ترمی تواند در ایجاد وضعیت مطلوب یادگیری فعالیت کند. بنابراین، می توان فواید ذیل را برای اصل تربیتی ترسیم کرد:

الف) تأثیر در نیل به هدف تربیتی؛ ب) انعطاف در روش ها؛ ج) محوریت اصول در ایجاد ارتباط منطقی بین عناصر نظام تربیت. در همین راستا هم روشهای تربیتی، شیوه ها و رفتارهایی است که مربی جهت تحقق بخشیدن به اهداف تربیتی، به کار می بندد. در حقیقت، روشهای تربیتی مظهر و نمود بارز کار تربیت اند و بخش اعظم موفقیت مربی و یک نظام تربیتی، در گرو شیوه هایی است که او برای رسیدن به اهداف تربیتی اتخاذ کرده و به کار می بندد. به همین جهت گزاره نیست اگر بگوییم که خطرترین و دشوارترین مرحله از فرآیند تربیت، تعیین و تشخیص روش تربیتی و استفاده و به کارگیری صحیح و مؤثر آن است. بنابراین با توجه به مطالب پیش گفته این پژوهش درصدد پاسخ گویی به این سؤالات است: اصول تربیت از دیدگاه امام خمینی (ره) چیست؟ روشهای تربیتی از دیدگاه ایشان کدام است؟

## اصول تربیت از دیدگاه امام خمینی (ره)

### تعریف اصل:

اصول، مجموعه قواعدی است که با نظر به قانون مندی های مربوط به ویژگی های عمومی انسان اعتبار شده و به عنوان راهنمای عمل، تدابیر تربیتی را هدایت می کند (باقری، ۱۳۸۴: ۶۵). در تعریفی دیگر اصل، جستجوی آگاهانه مبانی عقلانی و مقیاس ها است که بوسیله آن می توان در هر مورد با کمال سهولت رفتار پرورشی مطلوب کرد (هوشیار، ۱۳۵۷: ۳۰) و اصل در اصطلاح تعلیم و تربیت به معنی ملاک و مبنای کار و عمل شاگرد و معلم می باشد (شکوهی، ۱۳۸۵: ۱۳۴).

## ۱- اصل تعقل و تفکر

تفکر، اعمال فکر است، و آن عبارت است از ترتیب امور معلومه برای بدست آوردن نتایج مجهول، و آن اعم از تفکر مقامات سالکین است (خمینی، ۱۳۷۱، ص ۱۶۳). یکی از اصولی که همواره در کلام ناصحانه امام خمینی مد نظر قرار گرفته است، توجه به عقل و شکوفایی آن است. عقل در لغت به معنی فهم و درک است و گاهی عبارت است از "نیروی که خوب و بد، حق و باطل، راست و دروغ را تشخیص می دهد" و گاهی به معنای عقل بکار می رود. بدین معنی "عقل" قوه ای است که انسان را از کارهای ناشایست باز می دارد (قربانی، ۱۳۷۱: ۳۵۷). یکی از ویژگیهای عمومی انسان اندیشه ورزی اوست و از این لحاظ، انسان، تلاش و پویایی در قبال معماهاست. از این رو اصل تعقل بیانگر آن است که باید پویایی بی وقفه ی فکرواندیشه آدمی را هدایت کرد (باقری، ۱۳۸۴: ۲۰/۱). چنانچه امام خمینی نیز بر این امر تاکید می فرمود: "بدان که اول شرط مجاهده با نفس و حرکت به جانب حق تعالی، تفکر است" (خمینی، ۱۳۷۱: ۵). از نظر ایشان تفکر موجب بیداری انسان از خواب غفلت می شود تا جایگاه خود را در جهان هستی دریابد. امام خمینی در باره انگیزه الهی می فرماید: "اگر ما بنده مخلص خداییم، چرا شیطان در ما، این قدر تصرف دارد... اگر شما مخلصید، چرا چشمه های حکمت، از قلب شما به زبان، جاری نشده...؟ پس بدان اعمال ما برای رضای خدائست و خودمان ملتفت نیستیم و دردی درمان، همین جاست" (همان: ۱۷۴). بنابراین سیر تربیت باید بگونه ای باشد که مترقی به تفکر صحیح راه یابد و اندیشیدن درست شاکله او شود تا زندگی حقیقی بر او رخ بنماید زیرا نیروهای باطنی انسان و حیات حقیقی او با تفکر فعال می شود و با گشودن دریچه تفکر، درهای حکمت و رهیابی به حقیقت بر او گشوده می شود. از این رو در اسلام، تفکر، زندگی دل و حیات قلب معرفی شده است (تهرانی، ۱۳۷۶: ۱۹۱).

## ۲- اصل آزادی و اختیار

آزادی یکی از اصول بسیار مهمی است که بشر بایستی داشته باشد تا بوسیله آن بتواند هدفمند زندگی کند، قرآن کریم، بشر را در گزینش مسیر سعادت یا شقاوت آزاد معرفی

می‌کند و او را در تعیین دین نیز مختار می‌داند بنابراین آزادی در امر تربیت که جرئی از برنامه زندگی انسان است، اصلی اساسی به شمار می‌آید. خداوند در جای دیگر قرآن تغییر سرنوشت انسان را منوط به اختیار و آزادی خود آنان می‌داند و سازندگی و تخریب جامعه را به خود آنان منسوب می‌داند. اصولاً معنی تربیت جز این نیست که تمام زمینه‌ها فراهم شود، تا فرد خود را شکوفا سازد (سنگری، ۱۳۸۶: ۱۶). امام خمینی (ره) در مورد اهمیت این اصل اساسی در تعلیم و تربیت می‌فرماید: "آزادی یکی از اموری است که اول حقی است که بشر دارد، حق ابتدایی است که بشر دارد که باید آزاد باشد و در آرایش آزاد باشد، در اعمالش آزاد باشد" (خمینی، ۱۳۸۵: ۱۱۴/۴). در جای دیگر حضرتش با عنایت به مفهوم آزادی فردی و اجتماعی می‌فرماید: "همه باید در محفلشان آزاد باشند، در سکنی آزاد باشند، در شغلشان آزاد باشند، در مشی‌شان آزاد باشند (همان: ۳۷۴/۱). ایشان با توجه به اصل فطری بودن آزادی می‌فرماید: انسان به حسب فطرت، عاشق حریت و آزادی است که هر چه بخواهد بکند، حتی اراده او نیز نافذ باشد، بطوری که در مقابل سلطنت و قدرت او، مدافع مزاحمی نباشد" (زمان پور، ۱۳۸۰: ۸۸). از نظر ایشان، انسان مثل حیوان نیست که یک حد حیوانی داشته باشد و تمام بشود، انسان یک حد مافوق حیوانی دارد (خمینی، بی تا: ۱۸۶/۴). انسان موجودی است که دوسر طیف "شدن" را دارد و در مسیر شدن، محدودیت ندارد" در طرف کمال به آنجا می‌رسد که یدالله می‌شود، عین الله می‌شود... غیر محدود است و در طرف نقص هم، در طرف شقوت هم غیر محدود است" (خمینی، بی تا: ۳۶۸/۴). از دیدگاه امام، انسان دارای قوه شناخت، عقل و در مرحله بعد، دارای قدرت اراده و اختیار در جهت سعادت یا شقاوت است، از این رو انسان مسئول موفقیتها، شکستها، و تمامی کنشهای سیاسی اجتماعی خود است (همان: ۳۰۶). متعلم با توجه به این اصل (آزادی) طبیعت خود را آشکار می‌سازد و معلم بهتر می‌تواند شاگرد خود را بهتر بشناسد و موجبات رشد بیشتر او را فراهم سازد، اجرای این امر مستلزم شناخت شاگردان و پی بردن به روحیات و احتیاجات و استعداد آنهاست و این جریان وقتی میسر است که شاگرد بتواند آزادانه

رفتار کند و طبیعت خویش را آشکار سازد. (شریعتمداری، ۱۳۸۳: ۱۶۸)؛ بنابراین ویژگی وجود انسان مختار بودن است و چون چنین است که انسان مختار تربیت شود، پس بنیاد تربیت بر اختیار انسان است (رحیم زاده و لعلی ثانی، ۱۳۹۱: ۱۱۱).

### ۳- اصل تکیه بر اصلاح خود

مشکلی که در تربیت امروزی دامنگیر همه هست این است که گفتارها با کردارها صادق و همسو نیست. اگر مربی در اصلاح خویش بکوشد، متری حرفها و گفته های وی را بدون عیب و کم و کاست پذیرا خواهند شد. از این رو همانطور که امام راحل فرموده اند: "ما باید از خودمان شروع کنیم، اگر ما خودمان را اصلاح کنیم قهراً آن مقصدی که ما داریم، در دنیا هم صدور پیدا می کند، چنانچه پیدا کرده است" (همان: ۵۳۳/۱۳) و یا فرموده اند که: "اول خودتان را اصلاح کنید، اول مهذب بشوید، تعلیمات اسلامی را که برای آدم سازی است، آن تعلیمات را عمل بکنید و بعد جوانها را، بچه ها را، تربیت بکنید" (خمینی، ۱۳۶۱: ۱۵۷/۹). و در جای دیگر می فرمایند: "هر اصلاحی نقطه اولش خود انسان است اگر چنانچه خود انسان تربیت نشود نمی تواند دیگران را تربیت کند، از این جهت آن چیزی که بر همه ما لازم است ابتدا کردن به نفس خودمان است و قانع نشدن به اینکه همان ظاهر درست شود و از قلبمان شروع کنیم، مغزمان شروع کنیم و هر روز دنبال این باشیم که روز دومان بهتر از روز اولمان باشد" (فراهانی، ۱۳۸۷: ۷-۸) خاص این گفته های امام این است که تربیت و اصلاح خود مربی مقدم بر تربیت دیگران است. کسی که خود را اصلاح نکرده و پرورش نداده است نمی تواند تاثیر تربیتی بر دیگران داشته باشد. امام خمینی خود در عین حفظ آزاد اندیشی علمی به جنبه های تربیتی و تقوایی اعمال خود اهتمام داشتند برای مثال ایشان در عین صلابت در بحث علمی هرگز فراموش نمی کردند حفظ حریم مومنان و کوشش در جهت تربیت آنان یک تکلیف است و عامل به آن تکلیف در تقرب به خداوند موفق تر است (خمینی، ۱۳۶۱: ۱۶۰/۲۱).



## ۴- اصل تقدم تزکیه بر تعلیم

ملا احمد نراقی در تعریف تزکیه گفته است: «...صحت روح و اتصاف آن به محاسن اخلاق، باعث زندگی ابدی و حیات حقیقی است»، و بعد از آن که ساحت نفس انسانی از اخلاق ناپسندیده پاک و به صفات ارجمند آراسته گردد. مستعد قبول فیض های غیر متناهی، بل به سبب آن رفع حجاب می شود... و می رسد به بهجت ها و لذاتی که هیچ دیده آن را ندیده و به خاطر هیچ آفریده ای نگذشته" (یوسفلی، و سراجی، ۱۳۹۱: ۱۶۴). با توجه به این عبارت، تزکیه را می توان به مجموعه فعالیت هایی تعریف کرد که در فرد ملکه تقوا را پدید می آورد تا در مقام عمل از حدود اخلاقی و شرعی تجاوز نکند. در بررسی دیدگاه های امام خمینی تزکیه جایگاه خاصی را به خود اختصاص داده است، و از این عنصر گرانمایه در کنار فطرت پاک می توان بعنوان علت العلل دریافت حقایق و حکمت ها نام برد (فراهانی، ۱۳۸۷: ۵). امام خمینی (ره) تاکید داشته اند که نفس تزکیه شده در راستای ارزش های الهی قرار می گیرد و سر اطاعت در پیشگاه خداوند فرود می آورد و به قدرتهای غیر الهی بی توجه است؛ از این رو اهتمام بر این امر را بر همه آحاد جامعه لازم دانسته و ضرورت آن را برای کسانی که با تربیت مردم سروکار دارند، افزون می شمرد. از این رو تقدم تزکیه بر تعلیم را بعنوان یک اصل راهبردی بارها یادآور شده است: کوشش کنید که تربیت بشوید و تزکیه بشوید، قیل از اینکه تعلیم و تعلم باشد. کوشش کنید که همدوش با درس خواندن و تعلیم، تربیت باشد، که او مقدم است به حسب رتبه بر تعلیم و بر تلاوت آیات و بر تعلیم کتاب و حکمت (همان: ۵۰۷/۱۳). همچنین امام (ره) علم بدون تزکیه و تربیت را منشا و سرآغاز بسیاری از خطرها و انحرافات می داند و می فرماید: "علم تنها فایده ندارد... اگر در یک قلب تربیت شده علم وارد شود، عطرش عالم را می گیرد و اگر در یک قلب تربیت نشده یا فاسد بریزد... این فاسد می کند عالم را" (خمینی، ۱۳۶۱: ۴۰/۱۴). و یا در جای دیگر می فرماید:

"اگر استادان دانشگاه فقط همشان این باشد که درس بگویند، فقط بنایشان بر این باشد که تعلیم کنند اینها را پهلویش تربیت نباشد تربیت معنوی نباشد از دانشگاه آنها بیرون می آیند که

فساد می‌کنند. حوزه‌های علمیه هم همین‌طور است اگر در حوزه‌های علمیه تهذیب نباشد اخلاق نباشد آموزش معنوی نباشد فقط آموزش علمی باشد فقط علم در کار باشد، آنجا هم افرادی از آن خواهند بیرون بیایند که دنیا را هلاک می‌کنند" (فراهانی، ۱۳۸۷: ۹).

### ۵- اصل تداوم تربیت

در مباحث تربیتی، به اصل دوام و پایداری بسیار اشاره می‌شود. منظور از این اصل، جاری و ساری بودن تربیت در تمامی شئون زندگی انسان است تا جایی که انسان را به موجودی الهی تبدیل کند. امام بزرگوار همه انسانها را از بدو تولد تا آخرین روز زندگی نیازمند تعلیم و تربیت می‌داند و می‌فرماید: "همه جمعیت دنیا احتیاج به تعلیم و تربیت دارند. هیچ کس نمی‌تواند ادعا کند که من دیگر احتیاج ندارم به اینکه تعلیم بشوم و تربیت بشوم. رسول خدا هم تا آخر احتیاج داشت، منتها احتیاج او را خدا رفع می‌کرد، ماهمه احتیاج داریم" (خمینی، ۱۳۶۱: ۱۷/۲۳۷). از این رو حضرت امام (ره) در مورد عوامل موثر بر تعلیم و تربیت از نقطه‌های آغازین تشکیل نطفه، به زمینه‌های مختلف ارثی عنایت کرده و عواملی را پیش از تولد: الف: تاثیر عوامل غذایی در ایجاد اختلاف در میان نطفه‌ها؛ ب: اختلاف صلب‌های پدران؛ ج: اختلاف رحم‌های مادران و: حلال و حرام یا شبه ناک بودن غذای والدین؛ ه: رعایت کردن یا نکردن دستورات و آداب دینی در آمیزش، و عواملی را بعد از تولد: الف: خصوصیات زن شیر دهنده ب: تربیت ایام کودکی؛ ج: تربیت دوران بلوغ؛ د: دوستان و معاشرین؛ ه: محیط شهر یا روستا و محل زندگی، و: مطالعه علوم گوناگون؛ ز: رعایت آداب شرعی زندگی، در سعادت و شقاوت آدمی موثر می‌دانند و می‌فرمایند: "تفاوت افراد انسان و امتیازات فردی، به حسب هویت وجودی و عوارض شخصی است که آن نشانه‌هایی برای هویت بسیط وجودی است نه به حسب ماهیت و لوازم آن، و تفاوت وجودی ذاتی اشیاء نیست، بنابراین اختلاف فردی به جعل جاعل است نه به ذات" اما امام خمینی نیز همانند امام شیعیان علی (ع) بارها بر ضرورت گیرایی تربیت و اصلاح در ایام جوانی تاکید می‌کردند. ایشان در یکی از سخنرانی‌های خود فرمودند "جهاد اکبر، جهادی است که انسان با نفس طاغوتی خودش

انجام می دهد. شما جوان ها از حالا باید شروع کنید به این جهاد و نگذارید که قوای جوانی تان از دستان برود. هرچه قوای جوانی از دست برود، ریشه های اخلاق فاسد در انسان زیاد تر می شود و جهاد مشکل تر جوان زود می تواند در این جهاد پیروز شود. پیر به این زودی نمی تواند. نگذارید اصلاح حال خودتان را از زمان جوانی به زمان پیری بی افتد" (شرح چهل حدیث، ۲۰۳، ۱۳۷۱). حضرت علی (ع) نیز بهترین زمان برای تربیت و خودسازی را دوره جوانی می دانست، زیرا صفحه دل جوان با خصلتهای ناپسند شکل نگرفته و چراغ فطرت دلش خاموش نگشته است. (قربانی، ۱۳۷۱: ۳۲۴).

## ۶- اصل تکرار و تلقین

یکی از اصول مهم تربیتی که امام خمینی (ره) بر آن تاکید دارد، تکرار و تلقین است؛ ایشان در اصل پیشین بر مداومت در تربیت اصرار دارند و این مداومت بدون تکرار و تلقین هیچ تاثیری نخواهد داشت. در قرآن و روایات نیز به اصل تلقین اشاره شده است در روانشناسی تربیتی نیز یکی از اصول مهم، اصل تلقین است که در یادگیری و نقش بستن مطالب، به خصوص در ذهن کودکان و نوجوانان بسیار موثر است و از آن تحت عنوان "جکش تربیتی زدن" یاد می شود. امام (ره) با عنایت به نظریات تربیت اسلامی و نیز دیدگاه های حوزه روانشناختی و البته با ابتکاری ویژه، اهمیت این اصل مهم در تعلیم و تربیت را این گونه بیان می فرماید: "یکی از چیزهایی که برای ساختن انسان مفید است، تلقین است؛ انسان خودش هم اگر بخواهد ساخته شود، باید آن مسائلی که مربوط به ساختن خودش است را به خودش تلقین کند، تکرار کند. یک مطلبی که باید در نفس انسان تاثیر کند، با تلقینات و تکرارها، بیشتر در نفس انسان، نقش پیدا می کند". (خمینی، صحیفه نور، ۱۳۸۵: ۳۹۷/۱۳). امام خمینی بر تکرار همراه با تلقین تاکید دارند و می فرمایند: "تلقین با یک دفعه درست نمی شود؛ باید اگر بخواهید یک بچه ای را شما تربیت کنید، باید یک مسئله را چندین دفعه با چند زبان، با چند وضع، به او بخوانید. مطلب یکی باشد، لکن طرز بیان اینها، بطوری که در قلب او نقش ببندد" (خمینی، صحیفه نور، ۱۳۸۵: ۳۴/۱۰). امام خمینی معتقدند که اصل تلقین، حتی در بهبود امراض نیز بسیار موثر است و تاثیر عمیق

تلقین در نفس و روح انسان است؛ ایشان در این خصوص می فرمایند: "یکی از اموری که حتی در امراض موثر است، تلقین است؛ یا خود مریض به خودش تلقین کند یا کس دیگری به او تلقین کند که تو خوب شدی، خوب می شوی، وقتی که این مکرر شد، در نفس انسان اثر می گذارد. موعظه این نیست که انسان یک کلمه بگوید و برود. مسائل علمی که در یک کتاب - فرض کنید - نوشته می شود، اگر دو دفعه یک مسئله علمی را طرح بکنند، این غلط است؛ مسئله علمی اگر برای فهمیدن، یک دفعه گفته شد بس است، اما مسائل وعظ، تنبیه و ارشاد، مسائلی است که علاوه بر محتوای خودش، تکرارش موثر است" (همان: ۳۹۵/۱۴).

#### ۷- اصل جهت دار بودن تربیت

مهمترین اصل در تعلیم و تربیت این است که در جهت رسیدن به قرب الهی و کمال نهایی باشد و انسان را از منجلاب های هرزگی و گرداب های سهمگین بی عفتی به ساحل نجات سنن اخلاقی و خصال نیکو رهنمون شود. آیاتی که محور تعلیم و تربیت انبیاء را اخلاص و توجه تام به مبدأ هستی معرفی می کنند، منشأ و محور تأکید فراوان امام خمینی نسبت به جهت دار بودن امر تعلیم و تربیت است. در تربیت اسلامی مقصد و مقصود تربیت، "کمال مطلق" است و حرکت تربیت را بسوی خدا و توجه به او معرفی می کند از این رو تربیت عبارت است از رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آن که استعداد های انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود (دلشاد تهرانی، ۱۳۷۶: ۲۲). توجه به سخنرانی ها و نوشته گهربار امام خمینی (ره) درباره تربیت افراد حاکی از جهت دار بودن امر تعلیم و تربیت است: "تمام انبیاء، معلم ها هستند و تمام بشر، دانشجو. انبیاء مکتبی دارند که در آن مکتب می خواهند این موجود دوپایی که بدترین موجودات است و اگر رها بشود خطرناکترین موجودات عالم است، این را به راه مستقیم، به صراط مستقیم هدایت کنند، عالم یک دانشگاهی است و انبیاء و اولیاء و تربیت شده های آنها، معلم هستند و سایر بشر دانشجو، وظیفه معلم، هدایت جامعه است به سوی الله و وظیفه دانشجو تعلم" (خمینی، ۱۳۶۱: ۱۷۲/۱۳) و یا فرموده اند: "تمام جهاتی که در این عالم هست برگرداندن به همان جهت توحیدی الهی" (همان: ۵۴/۱۳).

### ۸- اصل دوری از تکبر

«کبر»، عبارت است از: "یک حالت نفسانیه که انسان ترفع کند و بزرگی کند و بزرگی فروشد بر غیر خود"، در حقیقت انسان به واسطه تکبر دچار خودبینی و خود خواهی می شود و افزایش خودخواهی موجب خودپسندی شده زمانی که خود خواهی در وجود باطن انسان افزایش یابد موجب خودپسندی شده و وقتی خودپسندی لبریز شود انسان دچار خود فروشی می شود (خمینی، ۱۳۷۱: ۶۷). از این رو باید افزود که از دیدگاه ایشان کبر و تکبر عامل بازدارنده و خطرناکی در تربیت آدمی بشمار می آید. اما بالعکس، تواضع در از وضع گرفته شده به معنی خود را خرد دانستن، با خاک همسان ساختن، از دیگر موجودات برتر ندانستن، سربه خاک ساییدن و خاکساری در پیش گرفتن است. تواضع درون خود باعث شکوفایی عقل و خرد می شود و بالعکس، تکبر با پیش فرض انحصار بر امکانات و توانایی های خویش، راه عقل و بینش را در جهت کسب توانمندی بیشتر از طریق دیگران مسدود می کند. در فرهنگ تربیتی اسلام، غرور و تکبر سبب ضلالت آدمی است، در حالی که تواضع و فروتنی سبب نزدیکی به سرچشمه هدایت و زندگی در بهشت هدایت است (قربانی، ۱۳۷۱: ۴۱۲). امام خمینی ره می فرماید: "گاهی اتفاق می افتد که انسان مطلبی، را از رفیقش می شنود و آن را با کمال شدت رد می کند ولی همان مطلب را از بزرگی در دین یا دنیا اگر شنید، قبول می کند حتب ممکن است در اول از روی جد رد کند و سپس از روی جد قبول کند. این شخص طالب حق نیست. تکبرش پرده روی حق می پوشد، و تملقش از بزرگ- که غیر از صفت تواضع ممدوح است- او را کرو کور می کند. و از همین تکبر است، ترک تدریس علمی یا کتابی باشأن خود مناسب نداند (خمینی، ۱۳۷۱: ۶۹).

### ۹- اصل جامعیت:

انسان موجودی چند بعدی است و استعدادهای نهفته ای دارد که باید شکوفا شود و مورد بهره برداری صحیح قرار بگیرد و اسلام چنین را داراست و نظام تربیتی اسلام، همه ابعاد زندگی آدمی را مورد دقت قرار می دهد. امام راحل با عنایت به مطلب بالا،

فراگیری و همه جانبه بودن تعلیم و تربیت را به عنوان یک اصل، مورد توجه قرار قرار داد و عقیده داشت که مربی باید به متریبان خود علم و هنر و فنون مورد نیاز زندگی بیاموزد و هم آنان را در مسیر تهذیب و خودسازی و دانش روز و... پرورش دهد، هم درباره دین بگوید هم پیرامون دنیا، هم از سیاست بگوید هم از دیانت. امام ره خود چنین بود و چنان تربیت کرد و می فرمود: اسلام، فقط عبادت نیست، اسلام از سیاست دور نیست، اسلام یک حکومت بزرگ بوجود آورده است، یک مملکت بزرگ بوجود آورده است. اسلام یک رژیم است، یک رژیم سیاسی است منتها سایر رژیم ها از بسیاری مور غافل بودند و اسلام از هیچ چیزی غافل نیست، یعنی اسلام انسان را تربیت می کند، به همه ابعادی که انسان دارد، بعد مادی دارد، راجع به بعد مادی تصرفاتی دارد.

بعد معنوی دارد، راجع به معنویات صحبت دارد... اسلام یک چنین چیزی است که وقتی انسان بزرگ شد، معاشرت خود با برادرش، معاشرت خودش با پدر و مادرش، معاشرت پدر و مادر با پسر، معاشرت این دو با همسایگان، معاشرت اینها با همشهری ها، معاشرت اینها با هم دین ها، این ها با خارجی ها، همه اینها در اسلام هست و اسلام یک حکومتی است که یک جنبه اش حکومت سیاسی است یک جنبه اش حکومت معنوی، آقایانی که بچه را تربیت می کنند، مسائل سیاسی روز را هم به آنها تعلیم بکنند. نمی گویم همه آن، این باشد، همه چیز باید باشد. یک بچه ای که از مدرسه بیرون می آید، باید همه مسائل دینی اش را بداند، مسئل نماز و روزه اش را باید بداند و هم تربیت های علمی بشود (رهنما و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۴۳).

### روش های تربیتی از دیدگاه امام خمینی (ره)

«روش»، در لغت، به معنای راه و شیوه آمده است و در اصطلاح، به معنای تعیین طریقه انجام یک امر یا فعالیت، دستورالعمل رسیدن به هدف می باشد. (حسنی نسب و اقدام، ۱۳۷۵) و روش تربیتی عبارت است از: "طریق انجام کار یا چگونگی استفاده از وسایل رسیدن به هدفهای مورد نظر (مرتضوی، ۱۳۷۵: ۲۴).

## ۱- روش محبت و امید:

محبت و مهربانی مری نسبت به متربی یکی از راههایی است که می تواند ثمر بخشی جریات تربیتی را در پی داشته باشد. روش محبت بیشترین تناسب را با سرشت و فطرت انسان دارد و اگر درست و با اعتدال صورت گیرد تاثیر زیادی در فرد خواهد گذاشت (کریمی، ۱۳۸۸). ایجاد و پرورش حس تعلق، اشتقاق و عشق به خدا و در نتیجه به خلق او و نفرت و انزجار از شیطان و مظاهر او اساس و وظیفه ی اصلی تربیت دینی محسوب می شود. آنچه در اصل محبت محوری مطرح می شود، میدان داری گرایش های قلبی و اولویت عشق ورزی و راز و رمزهای آن بر استدلال های بی طراوت عقلانی و افراط های بی روح علمی است. (ولیم جیمز، ۱۳۶۷: ۲۴). در سیره تربیتی امام خمینی همواره امیدآفرینی و استفاده از روش های ایجابی را مقدم بر روشهای سلبی می یابیم. ایشان با تفکیک افراد به دو گروه مغرض و افراد بی غرض، استفاده از روشهای سلبی را درباره گروه دوم کاملاً ناروا می داند و در مورد گروه اول هم فقط در صورت ضرورت روا می دانند. ایشان خود درباره دروس اخلاقی که در حوزه علمیه قم داشته اند می گویند:

"هرگاه از رحمت خداوند سخن می راندم و می دیدم که قلبها نرم می شود و اشک ها جاری می شود. ایشان با این سخن بر سازندگی روش ایجابی تاکید می کنند. همچنین سلوک ایشان در مقام مصلح و رهبر سیاسی و اجتماعی همواره حکایت از مقدم داشتن روش محبت و امیدآفرینی دارد. ایشان همواره عملکرد مثبت مردم را مورد تشویق قرار می دادند و از خوبی و وفاداری مردم به اسلام سخن می رانند و جز در برابر معاندان تهدید به برخورد سلبی نمی کردند" (خمینی، ۱۳۶۱: ۱۳/۱۵۵).

## ۲- روش تشویق و تنبیه:

"تشویق" به معنای برانگیختن، به شوق آوردن، راغب ساختن و شایق کردن است و "تنبیه" به معنای بیدار کردن، آگاه کردن، هشیار ساختن، و ادب کردن است (دهخدا، ۱۳۲۸: ۱۲/۲۹۷). در فرهنگ اسلامی هم به نقش پاداش (تشویق) و کیفر (تنبیه) در تربیت آدمی توجه خاصی شده است. پاداش و کیفر می تواند در نیل متربی به اهداف مورد نظرش نقش مهمی داشته

باشد. تشویق موجب تثبیت رفتار مطلوب و تنبیه باعث کاهش یا حذف رفتار نامطلوب در فرد شود. از این رو یکی از اثرهای بزرگ تربیتی امام خمینی، زودودن احساس حقارت چند ساله از ملت ایران و بخشیدن روحیه عزت و استقلال به مردم بود. این کار از راه تکریم و تشویق مردم تحقق یافت. در این زمینه فرموده اند: "مهم این است که ایرانی‌ها بفهمند که خودشان می‌توانند کار بکنند. بیگانگان اینطور حساب می‌کردند که ایرانی‌ها چیزی نیستند و باید همه چیز را از خارج بیاورند..." (فراهانی، ۱۳۸۷: ۲۴۷). آن حضرت با جملاتی که در مورد ایرانی‌ها و زنان ایرانی و نژاد ایرانی ابراز می‌دارند، به مردم احساس شخصیت و توانایی و ارزش می‌دهند و با نامیدن زنان شیر دل تشکر خودشان را از آنها ابراز می‌دارند. حتی با توجه به نقش تاثیر گذار امام در تربیت فرزندان خود نیز از آن بهره می‌گرفتند. به گونه‌ای که یکی از بستگان معظم له می‌گوید: "من هر موقع پیش امام می‌رفتم، مرا تشویق به نماز می‌کردند. یادم می‌آید که وقتی پنج ساله بودم وارد اتاق آقا شدم و دیدم که دارند نماز می‌خوانند، من هم پشت سر ایشان نماز خواندم، پس از نماز امام چند کتاب به من جایزه دادند" (رجایی، ۱۳۸۵: ۶۰/۱) علاوه بر تشویق، قهر کردن نیز یکی از شیوه‌های تنبیه عاطفی در تربیت است که برای جهت دادن کودک به انجام کردارهای پسندیده و بازداشتن او از ارتکاب به کارهای ناپسند صورت می‌گیرد. امام خمینی (ره) که می‌کوشید تا مسائل دینی و امور شرعی در نظر فرزندان سخت و مشقت‌زا جلوه نشود، اما هرگز اجازه نمی‌داد که در انجام وظایف دینی کوتاهی و اهمال صورت گیرد. یکی از فرزندان امام می‌گوید: "تازه مکلف شده و شب خوابیده بودم که آقا با اخوی وارد شدند و خیلی سرحال و خوشحال بودند. پرسیدند: نماز خوانده‌ای؟ من گفتم چون الان آقا سرحال هستند دیگر نماز خواندن من هم برایشان مسئله‌ای نیست. گفتم: نه. ایشان به قدری تغییر حالت دادند و عصبانی شدند که ناراحتی سراسر وجودشان را فرا گرفت و من خیلی ناراحت شدم که چرا با حرف و عمل مجلس به آن شادی را تلخ کردم" (همان: ۲۹/۱). با توجه و دقت در این گونه عبارات و عکس‌العمل‌های ایشان می‌توان



اینگونه استنباط کرد که امام با رفتار و نشان ناراحتی خود از اعمال فرد، با متوجه کردن فرد خاطی به عمل ناپسند وی، اقدام به تربیت ایشان نموده است.

### ۳- روش الگو برداری:

الگو یا در زبان عربی اسوه و اسوه عبارت از حالتی است که انسان به هنگام پیروی از غیر خود، پیدا می کند و بر حسب این که پیروی از چه کسی باشد، ممکن است اسوه ای نیک یا بد برای انسان فراهم آید. قرآن این روش را به عنوان یک روش اساسی در تربیت به کار بسته است و یکی از ویژگی هایی که در قرآن به آن توصیه کرده است عبارت از است از این که فرد در برخورد با کسی که اسوه ای در نزد او هست، باید با بصیرت و انتخابگری به مواجهه پردازد (باقری، ۱۳۸۴: ۱۰۱/۱). امام خمینی نیز الگو برداری و الگو بودن را به عنوان یک روش مطرح می کند به گونه ای که می فرماید: "اگر الگو خود صالح نباشد نمی تواند دعوت به صلاح کند. کسی که خودش خدای نخواستہ پایش را به راه کج بگذارد اگر به مردم بگوید پایت را راست بگذار گناه می کنند، می گویند اگر پا راست گذاشتن صحیح بود خودت بگذار. و به همین ترتیب کسانی که می خواهند دیگران را در این عالم تربیت کنند باید قبلاً خودشان تزکیه و تربیت شده باشند" بر این اساس روش ارائه الگو، روش مطلوب فطرت آدمی در تربیت است و از موثرترین روشها شمرده می شود. در این روش، الگوهایی به انسان معرفی می شود و آدمی به عمل شبیه سازی دست می زند و تلاش می کند در همه امور، خود را همانند الگوی خویش سازد (کریمی، ۱۳۸۸). امام خمینی انبیاء را به عنوان الگو و راهنما معرفی می کند و در این مورد می فرماید: "کوشش انبیاء از اول تا آخر این بوده است که این موجود را به صراط مستقیم دعوت کنند و راه ببرند، نه همان هدایت و گفتن تنها، بلکه راهنمایی و الگو بودن خودشان در اعمال و در افعال و در اقوال، برای این که این موجود را به آن کمالی که لایق است برساند" (یوسفلو، ۱۳۹۱: ۱۷۴).

## ۴- روش تکرار و تلقین:

تلقین به نفس به این معنی است که از طریق به زبان آوردن قولی معین تغییری به مقتضای آن در ضمیر پدید آید در این باره اندیشمندان علم اخلاق توصیه می کنند که انسان در گام نخست تربیت، باید بکوشد عادات نامناسب خود را شناسایی و آنها را با بهره گیری از عادات درست و تکرار و تلقین این عادات، به مرور حذف کند (باقری، ۱۳۸۴: ۶۸/۱). در دیدگاه امام خمینی تکرار و تلقین به نفس به عنوان یکی از روشهای تربیتی در چندین جا ذکر شده است. به عنوان مثال ایشان در این باره می فرماید: "اگر بخواهید یک بچه ای را تربیت بکنید، باید یک مسئله را چندین دفعه با چند زبان، با چند وضع، به او بخوانید. مطلب یکی باشد، لکن طرز بیان این ها متفاوت باشد؛ بطوری که در قلب او نقش ببندد" (خمینی، ۱۳۶۱: ۳۴/۱۰). و یا در جای دیگر فرموده اند که: "انسان خودش هم اگر بخواهد ساخته شود باید آن مسائلی که مربوط به ساختن خودش است، تلقین کند و به خودش تکرار کند. مطلبی که تاثیر در نفس و انسان باید بکند، با تلقینات و تکرارها، بیشتر در نفس انسانی نقش پیدا می کند" (فراهانی، ۱۳۸۷: ۹۲).

## ۵- روش توبه:

«توبه» عبارت است: از رجوع از طبیعت به سوی روحانیت نفس، بعد از آنکه به واسطه معاصی و کدورت نافرمانی، نور فطرت و روحانیت، محجوب به ظلمت طبیعت شده است. بنابراین حقیقت توبه، رجوع از احکام و تبعات طبیعت است بسوی احکام روحانیت و فطرت (خمینی، ۱۳۷۱: ۲۳۲). روش تربیتی توبه از مظاهر فضل و رحمت الهی است و "توبه" به معنی بازگشت است و صرفاً به معنی بازگشت از گناه نیست. از این رو توبه اختصاص به انسان ندارد، بلکه خداوند نیز که خو را "تواب" نامیده در مقام تربیت انسان دارای توبه است (باقری، ۱۳۸۴: ۱۱۶). در معنی جامع استغفار و توبه باید به کلام علی (ع) اشاره کرد که حقیقتاً استغفار را در شش مرحله مطرح می کنند: ۱- پشیمانی از گذشته؛ ۲- تصمیم به عدم بازگشت به گناه؛ ۳- پرداخت حقوق مردم؛ چنانچه خدا را پاک دیدار کنی که چیزی بر عهده تو نباشد؛ ۴- تمام واجبهای ضایع شده را به جا آوری ۵- گواهی را

که از حرام بر اندامت روییده با اندو فراوان آب کنی؛ ۶- رنج طاعت را به تن بچشانی چنانکه شیرینی گناه را به او چشاندند بودی، پس آنگاه بگو استغفرالله (دستی، ۱۳۸۰، حکمت ۴۱۷). و امام خمینی نیز می فرمایند: "بدان که برای توبه کامله، ارکان و شرایطی است که تا آنها محقق نشود، توبه صحیحه حاصل نشود. یکی از آن ها که رکن رکین او است، ندامت و پشیمانی است از گناهان و تقصیرات گذشته، و دیگر عزم بر برگشت نمودن بر آن است همیشه" (خمینی، ۱۳۷۱: ۲۳۴). به مقتضای روش توبه باید برخورد مربی با فرد خطاکار، نمودار رحمت باشد. این روش ایجاب می کند که مربی خود به استقبال خطاکار برود و به او پشت کرده، رو کند. مربی نباید به محض دیدن خطا در فرد، او را از خویش براند، بلکه باید احتمال دهد که حتی او متوجه خطای خویش نیز نبوده باشد. پس طبق روش توبه، نخست باید به استقبال خطاکار رفت و او را متوجه خطایش کرد و جهات مختلف و آثار و تبعات آن را تبیین نمود، به نحوی که مایه بازگشت از خطا در وجود او ریشه بدواند (باقری، ۱۳۸۴: ۱۱۷).

## ۶- روش دعا

چنانچه پیشتر گذشت، هدف غایی تربیت، سازندگی و پرورش روحی انسان و سرانجام تقرب الی الله است و روش خلوت با خدا و راز و نساخ با خالق بی نیاز، تأثیری شگرف و فوری در رسیدن به این هدف دارد، به همین دلیل از سوی اولیای اسلام بسیار بدان سفارش شده است و امام راحل نیز از آن بعنوان مطمئن ترین روش تربیتی استفاده کرده، می فرماید: «ای عزیز! فکری کن و چاره جویی نما و راه نجاتی و وسیله خلاصی از برای خود پیدا کن و به خدای ارحم الراحمین پناه ببر و در شبهای تاریک با تضرع و زاری از آن ذات مقدس تمنا کن که تورا اعانت کند در این جهاد نفس، تا انشاءالله و مملکت وجودت را رحمانی گردانی و جنود شیطان را از آن بیرون کنی و خانه را به دست صاحبش دهی تا سعادتها و بهجت ها و رحمتهایی خداوند به تو عطا فرماید که تمام چیزهایی که شنیدی از وصف بهشت

و حور و قصور، پیش آنها چیزی نباشد» (رهنما و همکاران، ۱۳۹۱: ۴۵۴).

### نتیجه گیری

در آثار مکتوب و شفاهی امام خمینی این نکته نهفته است که در از منظر امام هرگونه حرکت سیاسی و اجتماعی بدون توجه به تربیت و تعلیم آحاد جامعه انسانی، تلاشی عقیم و بی نتیجه است، لذا با تبیین آراء و اندیشه های امام خمینی که پیروی از آنها موجب فلاح و سعادت دنیا و آخرت خواهد بود، می توان اذعان داشت که نقطه آغاز تعلیم و تربیت، انسان است. و هدف نهایی تربیت، شکوفایی استعدادها و قابلیت ها به منظور تقرب به کمال مطلوب خداست که بایستی محور همه برنامه ها و اقدامات تربیتی قرارگیرد. از این رو فرایند تربیت باید سهل و جذاب باشد تا بتواند انگیزش لازم را برای پذیرش اخلاقیات نیکو در فراگیران فراهم آورد؛ زیرا حرکت بسوی صفات والا و اعمال صالحه احتیاج به انگیزه ای دارد؛ بدون شک یکی از بهترین انگیزه ها، آگاهی از مصالح اعمال و صفات نیک و مفاسد اعمال صفات رذیله است؛ که می توان با آشنایی با برنامه ها و اصول و روشهای مکتب امام خمینی به این امر دست یافت. از طرف دیگر، تربیت یک روند دوطرفه است که حتی مربیان نیز در مواردی نیازمندند برخی از ارزش ها و اصول را یاد بگیرند که در این صورت رابطه مربی با متربی باید دوسویه و هم افق باشد تا طرفین در آن به داد و ستد بپردازند. بنابراین می توان اذعان داشت از دیدگاه امام خمینی (ره) فرایند تعلیم و تربیت از کارکردهای مهم نظام آموزشی جامعه اسلامی است که خود مبتنی بر اصول و قانونمندیهایی چون: ۱- اصل تفکر و تعقل؛ ۲- اصل تکیه بر اصلاح خود؛ ۳- اصل تقدم تزکیه بر تعلیم؛ ۴- اصل تداوم تربیت؛ ۵- اصل جهت دار بودن تربیت؛ ۶- اصل تواضع و تکبرگریزی است. همچنین برای دستیابی به تربیت انسان کامل از دیدگاه امام راحل تربیت باید مبتنی بر روشهایی چون: ۱- روش محبت و امید؛ ۲- روش تشویق و تنبیه؛ ۳- روش الگو برداری؛ ۴- روش تکرار و تلقین؛ ۵- روش توبه باشد. ایشان بهترین

سنین برای تعلیم و تربیت را کودکی، نوجوانی و جوانی می داند و معتقد است که برای سعادت انسان، مفیدترین علوم باید انتخاب شود همچنین به عقیده ایشان علم و عمل بایستی همزمان در جامعه عینیت پیدا کند چرا که علم و عمل به منزله دو بال هستند که با همدیگر می توانند به مراتب ترقی و تعالی برسند. بنابراین بر مسئولان و دست اندر کاران تعلیم و تربیت ضروری است که با اصول و روشهای تعلیم و تربیت انبیاء و برگزیدگان الهی آشنا باشند تا بتوانند به تربیت همه جانبه افراد پردازند.

## پیشنهادها:

- برخی از مشکلات کنونی تعلیم و تربیت، ناشی از کم توجهی به اهداف عالی تعلیم و تربیت (عبودیت و قرب الهی) است از این رو باید به اصول و مبانی و روشهای تربیت دینی بیشتر توجه شود.

- برگزاری مستمر کلاسهای آموزشی و دوره های ضمن خدمت برای مربیان جهت آشنایی بیشتر آنان با اصول و مبانی تربیت اسلامی با استفاده از صاحب نظران خبره.

- با توجه به اینکه در تعلیم و تربیت تشویقهای مکرر و یکسان به مرور زمان تأثیر خود را از دست می دهد و برای فرد، عادی جلوه می کند؛ لذا مربیان همواره باید، گروه کثیری از تشویق کننده ها را در اختیار داشته باشد و از تشویقهای متعدد استفاده کند. علاوه بر این، تشویقهای مکرر و یکسان نیز حالت رشوه به خود می گیرد و فرد عادت می کند که در ازای هر رفتار و عملی به او پاداش داده شود و در غیر این صورت، از انجام کار طفره می رود. بنابراین بهترین شیوه تشویق، تشویق گاهگاهی و غیر یکسان است.

- توجه به تفکر و اندیشه؛ که آن را شرط اول مجاهده و مبارزه با نفس و سیرالی الله توصیف فرمود.

- مراقبه و محاسبه؛ حضرت امام (ره) بر استفاده از این روش تأکید می ورزید؛ همچنان

که خطاب به فرزند خویش فرمود: «سعی کن در این قدم اول موفق شوی که در روزگار جوانی آسان تر و موفقیت آمیزتر است. مگذار مثل پدرت پیر شوی که یا درجا بزنی، و یا به عقب برگردی. و این محتاج مراقبه و محاسبه است».

-اهتمام در عبادت و نیایش؛ دایمی کردن نام و یاد خدا در اندیشه و اعمال و احساس حضور در محضر خدا، می تواند بسیار راهگشا و مفید باشد. با نیایش و پرورش روحی ای تعبدی می توان به تدریج، میزان احساس حضور در محضر الهی را افزایش داد و نماز بهترین روش نیایش است؛ همان گونه که امام خمینی (ره) بر اهمیت نماز و تأثیر برجسته ی آن در تربیت تأکید می فرماید: «در اسلام از نماز هیچ فریضه ی بالاتر نیست. چه طور نماز را این قدر سستی می کنید در آن؟ از نماز همه ی این مسائل پیدا می شود».

-ذکر و دعا؛ از دیدگاه حضرت امام (ره) دعا صرف نظر از مقوله ی عبادی، بعد تربیتی و اخلاقی دارد.

-تلاوت قرآن و تفکر در آن؛ امام خمینی (ره) قرآن را کتاب آدم سازی و تربیتی معرفی می فرماید: «کتاب آسمانی اسلام، که آن قرآن مجید است، کتاب تربیت انسان است، انسان را به همه ی ابعادی که دارد، به بعد روحانی و به بعد جسمانی، بعدهای سیاسی، اجتماعی، فرهنگی - همه بعدها - بعد نظامی؛ این اسلام آمده است که به ما راه تربیت را نشان بدهد».

ستایش و تشویق؛ این اصل مهم تربیتی، مورد توجه حضرت امام (ره) بود و در تربیت فرزندان خود از آن بهره می گرفت.

## منابع و ماخذ

- ۱- باقری، خسرو (۱۳۸۴). نگاهی دوباره به تربیت اسلامی، چاپ دهم، جلد اول، تهران: انتشارات مدرسه،
- ۲- رحیم زاده، کبری، لعلی ثانی، رمضان (۱۳۹۱) "اصول تعلیم تربیت در قرآن و سنت با تاکید بر دیدگاه های امام خمینی" مجموعه مقالات همایش ملی امام خمینی (ره) و تعلیم و تربیت اسلامی.
- ۳- رهنما، اکبر و همکاران (۱۳۹۱) "بررسی و تبیین اصول و روش های تربیتی از منظر امام خمینی" مجموعه مقالات همایش ملی امام خمینی (ره) و تعلیم و تربیت اسلامی.
- ۴- حسینی، علی اکبر (۱۳۸۰)، "ماهنامه فرهنگ عمومی" دبیرخانه شورای فرهنگ عمومی، شماره ۲۹.
- ۵- یوسفلی، صدیقه، سراجی، فرهاد (۱۳۹۱) "اصول و روش های تربیتی از دیدگاه امام خمینی" مجموعه مقالات همایش ملی امام خمینی (ره) و تعلیم و تربیت اسلامی.
- ۶- خمینی، سیدروح الله (۱۳۸۵). صحیفه امام (صحیفه نور). مجموعه آثار امام خمینی (ره); بیانات، پیام ها، مصاحبه ها، احکام، اجازات شرعی و نامه ها) تهران: موسسه نشر آثار امام خمینی (ره)
- ۷- خمینی، سیدروح الله (۱۳۶۱). صحیفه امام (صحیفه نور)، چاپ اول، جلد سیزدهم، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- ۸- خمینی، سیدروح الله (۱۳۶۱). صحیفه امام (صحیفه نور). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، چاپ اول، جلد بیست و یکم.
- ۹- خمینی، سیدروح الله (۱۳۷۱). شرح چهل حدیث. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره). چاپ اول.
- ۱۰- دلشادتهرانی، مصطفی (۱۳۷۶).. سیری در تربیت اسلامی. تهران: انتشارات خانه اندیشه جوان، چاپ اول.
- ۱۱- شکوهی، غلامحسین (۱۳۶۸). مبانی و اصول آموزش و پرورش. آستان قدس رضوی، چاپ اول،

- ۱۲- شریعتمداری، علی (۱۳۸۳) اصول و فلسفه تعلیم و تربیت. تهران: انتشارات امیر کبیر. چاپ بیست و پنجم
- ۱۳- رجائی، غلامعلی (۱۳۸۵). برداشتهایی از سیره امام خمینی. تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ ششم، جلد اول.
- ۱۴- کریمی، روح الله (۱۳۸۸) "تیین روشهای تربیتی نهج البلاغه با رویکرد به مکاتب تربیتی معاصر" مجله معرفت، شماره ۵۷.
- ۱۵- قربانی، زین العابدین (۱۳۷۱). اخلاق و تعلیم و تربیت از امام علی (ع). قم: انتشارات انصاریان، چاپ اول.
- ۱۶- جیمز، ویلیام (۱۳۶۷). دین و روان. ترجمه مهدی قائینی، قم: انتشارات دارالفکر، چاپ اول.
- ۱۷- زمان پور، مجید (۱۳۸۰). لطایف عرفانی برگرفته از آثار امام خمینی (ره). تهران: نشر پازینه.
- ۱۸- سنگری، محمدرضا (۱۳۸۶). در آفاق تربیت. تهران: نشر خورشید.
- ۱۹- مرتضوی، محمد (۱۳۷۵). اصول و روش های در نظام تربیتی اسلام، چاپ اول، جلد اول، مشهد: انتشارات گلنشر.
- ۲۰- حسینی نسب، داوود، اقدام، علی اصغر (۱۳۷۵). فرهنگ واژه ها. تعاریف و اطلاعات تعلیم و تربیت، تبریز: انتشارات احرار.
- ۲۱- شکوهی، غلامحسین (۱۳۸۵). مبانی و اصول آموزش و پرورش. مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- ۲۲- هوشیار، محمدباقر (۱۳۵۷). اصول آموزش و پرورش. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.